

# پروردگی نه پر مردگی

## ویژگی‌های ایمان و مؤمن در قرآن



■ **کبری محمدی بدگلی**

■ ایمان، خدا، بندگی ۲

در میان متفکران اسلامی، ماهیت ایمان و لوازم آن بی‌وسه مورد توجه بوده است. مسئله‌آسانسی برای متکلمان سده‌های نخست حول نسبت میان ایمان و عمل می‌چرخد و کسانی مانند خوارچ، معتزله و اهل حدیث، عمل را داخل در مفهوم ایمان می‌دانند و گروهی همچون مرجئه و اغلب متکلمان شیعی گرچه عمل را از لوازم ایمان می‌شمارند، ولی آن را خارج از ماهیت ایمان می‌دانند باید گفت اهمیت این مسئله بیش از هر چیز به سبب نقش محوری مفهوم ایمان و معنای مقابل آن یعنی کفر در میان مفاهیم قرآنی و روایی است. در اینجا دیدگاه دو پژوهشگر علوم اسلامی یعنی علامه طباطبایی و توشیهیکو ایزوتسو درباره مفهوم ایمان، با استفاده از «تفسیر المیزان» و کتاب «مفاهیم اخلاقی در قرآن»، طرح و بررسی شده است.

علامه طباطبایی ایمان را فعلی قلبی و اعتمادی امینوارانه و متوکلانه به امری قدسی می‌داند که لوازم عملی به همراه دارد. گرچه از نگاه وی عمل خارج از ایمان است، پیوندی گسستناپذیر میان ایمان و عمل صالح وجود دارد و وی معتقد است که متعلق ایمان دینی، امری عینی، واقعی و

معتالی است و با توجه به ویژگی‌های ایمان، عالی‌ترین مراتب آن را متلازم با یقین می‌داند و نقش عقل را در تمامی مراتب آن نقشی کلیدی می‌شمارد.

### تعریف ایمان

در عرف قرآن ایمان به خداوند، تصدیق به وحدانیت او، پیامبران، قیامت و آنچه پیامبران آورده‌اند همراه با پیروی از ایشان است. قرآن جایگاه ایمان را قلب انسان معرفی کرده، لذا ایمان عقد و حالتی قلبی است که برای مؤمن امنیت می‌آورد و اثر یا صفتی است که در دل مؤمن واقعی تحقق می‌یابد علامه ایمان را صرف اعتقاد نمی‌داند و التزام به لوازم و آثار عملی آن را ضروری می‌شمارد. البته همراه با نوعی آرامش و سکون علمی خاص در نفس که خود نتیجه التزام عملی نسبت به لوازم آن است.

### ماهیت ایمان

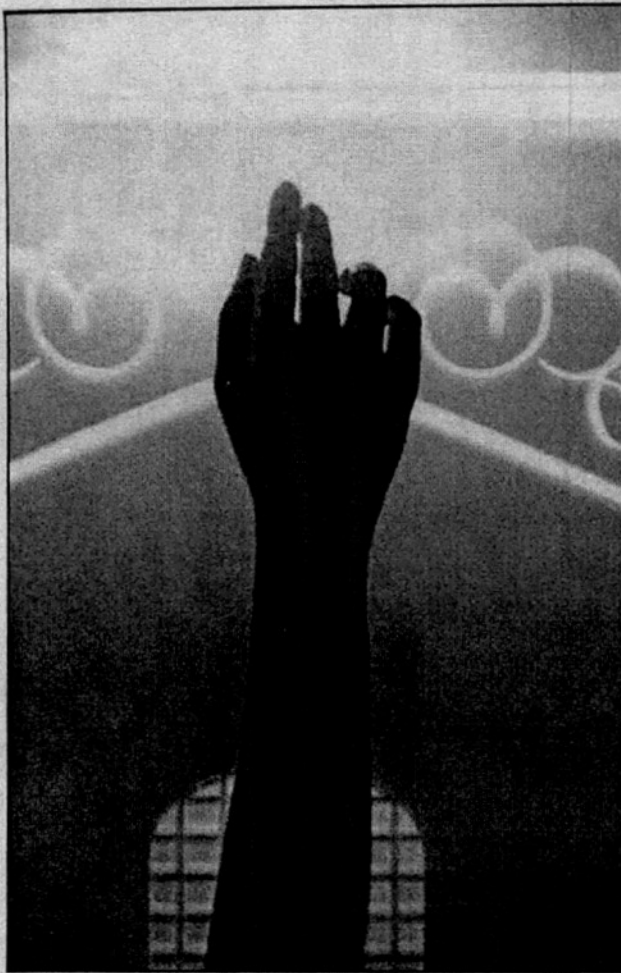
مرحوم علامه در تعبیری که از ایمان ارائه می‌دهد شهودی بودن آن را می‌پذیرد و قابل است معرفتی که مقدمه ایمان است از رهگذر شهود حاصل می‌شود. ولی مقوله ایمان را نه تنها مخالف عقل نمی‌داند بلکه بر این باور است که این امر را با استدلال محکم عقلی می‌توان مبرهن ساخت. در این

دیدگاه، ایمان امری معقول و برای بیشتر انسان‌ها بر خاسته از قول و تصدیق نظری همراه با تسلیم است. ایمان برای اقلی از خواص می‌تواند از طریق کشف و شهود حاصل آید. آن هم کشف تام. ناگفته نماند که خود این کشف و شهود در مرحله پس از استدلال قرار دارد. لذا ایمان نتیجه علم و یقین است (چه در علم حصولی و چه در علم حضوری) همراه با آرامش، طمأنینه و سکون باطنی که دقیقاً با هرگونه شکلی ناسازگار است. از نگاه علامه، ایمان حقیقی، ماهیتی تشکیکی و ذومراتب است که قابل افزایش و کاهش و فعلی اختیاری است (- فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر - کهف: ۲۹). عالی‌ترین فضیلتی نیز شناخته می‌شود که آدمی در پرتو عقل و اراده خویش می‌تواند به آن دست یابد. همچنین وی ماهیت ایمان را امری نفسانی و قلبی می‌داند و معتقد است که تا انقلاب باطنی در نفس انسان رخ ندهد نتیجه‌ای به بار نخواهد آمد و آثار آن بر جوارح و رفتار آدمی ظاهر نخواهد شد.

### اقسام ایمان

ایمان با توجه به تأثیراتی که در شخص مؤمن می‌گذارد دارای اقسام گوناگونی است. علامه در خصوص انواع ایمان می‌گوید ایمان در کل یکی بیشتر نیست اما درجات،

صفات و منازل دارد. بعضی از آن مراتب مرتبه تام و کامل ایمان است که به منتهای درجه خود رسیده و برخی از ایمان ناقص و نقصانش به وضوح روشن است و برخی از آن نه به آن تمامیت است و نه به این نقص، بلکه از سمت نقصان به سوی کمال می‌گراید. وی در این باره حدیثی را از تفسیر عیاشی از منصور بن حازم از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «فاز حضرت پرسیدم مگر ایمان تام و ناقص دارد؟ امام صادق (ع) فرمودند برای اینکه خداوند ایمان را بر تمامی اعضای آدمی واجب و در همه آنها تقسیم کند، هیچ عضوی از اعضا نیست مگر آن که موظف به داشتن ایمانی است غیر آن ایمانی که اعضای دیگر دارند. پس هر کس خدا را ملاقات کند در حالی که اعضای خود را از گناهان حفظ کرده و هر یک را در انجام وظیفه‌ای که بر عهده داشته‌اند به کار بسته، خدا را با ایمان کامل دیدار خواهد کرد، اما کسی که در یکی از آنها خیانت کرده یا از حدودی که خدا معین نموده، تجاوز کند خدا را ناقص‌الایمان ملاقات خواهد کرد و این ایمان کامل و ایمان ناقص بستگی به آمادگی افراد در پذیرش آن دارد. چه، هنگامی که سوره‌های نازل می‌شد بعضی‌ها می‌پرسیدند: کدامیک از شماست که این سوره ایمانش را زیاد کرده باشد؟ این نشان‌دهنده برتری



واضحی است. این تقابل، معیار و مقیاس نهایی است برای آنکه همه صفات و خصلت‌های آدمی در جهان‌بینی اسلامی به دو مقوله اخلاقی متفاوت و متضاد با یکدیگر تقسیم شود. این دوگانگی بنیادی کلید واقعی تمام نظام اخلاقی اسلام است. در قرآن مجید همه جا این تقابل و تضاد اساسی مشهود است: «اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده‌اند ایشان در بوستانی سرخوشند، اما کسانی که کفر ورزیده‌اند و آیات ما و لقای آخرت را تکذیب کرده‌اند اینانند که در عذاب حاضر کرده شوند.» (روم: ۱۵ و ۱۶)

در مثال بعدی، تضاد میان کفر و ایمان در قالب تفاوت راهی که انسان در آن سبزه می‌کند بیان شده است: «مؤمنان در راه خدا کارزار می‌کنند و کافران در راه طاغوت.» (نساء: ۷۶) در قرآن مجید، عبارت «خریدن کفر به قیمت ایمان» در توصیف کسانی به کار می‌رود که از اسلام روی برمی‌گردانند و به شرک می‌پیوندند: «کسانی که کفر را به بهای ایمان خریدند هرگز به خداوند زیان نمی‌رسانند و عذایی دردناک خواهند داشت.» (آل عمران: ۱۷۷)

تجسم می‌بخشد که تنها ذکر نام خدا کافی است تا در دلش احساسی شدید از ترس و اقدام برانگیزد. در آیه بعدی، تجلیات بیرونی تقوی در شخص مؤمن توصیف شده است: «آنان توبه کارانند و پرستشگران و سیاست‌گزاران و روزه‌داران و نمازگزاران و اهل سجود که آمران به معروف و ناهیان از منکر و پاسداران احکام الهی هستند.» (توبه: ۱۱۲)

این عناصر باید موجد و موجب اعمال صالح شود به صورتی که در جامعه اسلامی مورد نظر است و در زندگی در هر عمل و کرداری در روابط عادی مردمان با یکدیگر منعکس شود. این ارتباط و وابستگی بنیادی ایمان و عمل صالح هنگامی اهمیت خاص یافت و مورد تأکید متفکران مسلمان قرار گرفت که برخی از فرق کلامی مشخصاً مرحله معتقد شدند ارتکاب گناه از مؤمن سلب ایمان نمی‌کند

و برای این رویکرد از کتاب و سنت نیز شواهدی نقل کردند. در سوره فرقان آیات ۶۳ تا ۶۸ و ۷۲ تا ۷۴، ویژگی‌ها و سجایایی که به طور معقول انتظار می‌رود مؤمنی واقعی و نمونه دارای آنها باشد چنین بیان شده است: اعتقاد بنیادی به حلم و بردباری، عبادت همیشگی، ترس از روز قیامت، دادن صدقات به عنوان مهم‌ترین عمل ناشی از تقوا، بی‌آنکه از حد اعتدال درگذرد و به حاتم‌بخشی‌های گزاف‌آمیز دوره جاهلیت گرفتار آید، پرهیز کردن از اعمال جاهلی که خداوند به شدت از آنها

نهی کرده است، مانند شرک و بت‌پرستی و کشتن جانداران به غیر حق، اجتناب از زنا و گواهی دادن به دروغ و گفتن سخن باطل و لغو، داشتن احساس لطیف نسبت به اظهار کلمات وحی و خرسندی سرشار از آرامش و صفا در زندگی این جهان بر بنیاد انتظارات و چشم‌داشت‌ها از جهان دیگر. در سوره احزاب آیه ۳۶، اطاعت بی‌چون و چرای الهی از همه مؤمنانی که ایمان اخیل و واقعی دارند خواسته شده است: «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خداوند و پیامبرش امری را مقرر دارند، آنان را در کارشان اختیار [و چون و چرایی] باشد و هر کس از [امر] خداوند و پیامبر او سرپیچی کند در گمراهی آشکاری افتاده است.»

### ایمان در برابر کفر

اینکه کفر نقطه مقابل ایمان است امر

برخی بر برخی دیگر است و این تمامیت ایمان است که مؤمنین راستین را بهشتی و از نظر درجاتی که در پیشگاه خداوند دارند، انسان را گوناگون می‌سازد. به همین دلیل است که مؤمنین واقعی نمی‌گویند ما را به دنیا برگردان تا ایمان بیاوریم و عمل صالح انجام دهیم بلکه می‌گویند ما را برگردان تا عمل صالح انجام دهیم.»

علامه خاطرنشان می‌کند که ایمان کامل همان توحید خالص است و مقام عزیز و فضیلتی کمیاب است که جز اقل مردم به آن نمی‌رسند و اما اکثر مردم ایمان‌آور نیستند هر چند پیامبر(ص) به ایمان آنان حریص باشد چرا که برخی از ایمان‌ها هست که تنبید حوادث تکانش نمی‌دهد و از بین نمی‌پرد ولی بعضی دیگر را می‌بینیم که به کمترین جهت زایل می‌شود یا با سست‌ترین شبهه‌های که عارضش می‌شود رو به نابودی می‌رود

### دیدگاه ایزوتسو

همان‌طور که کفر قطبی است که همه صفات متعلق به حوزه خصائل نکوهیده بر گرد آن می‌چرخد ایمان نیز مرکزی است که خصائل اخلاقی مثبت و حمیده به دور آن در حرکت است. ایمان سرچشمه و سرمشقا همه فضیلت‌های اسلامی است؛ همه فضائل از آن زاده می‌شوند و در عالم اسلام نمی‌توان فضیلتی را تصور کرد که بر بنیاد ایمان صمیمانه به خداوند و وحی او استوار نباشد.

بهرآسانی از نظر قرآن مؤمن چگونه انسانی است؟ ویژگی‌ها و مشخصه‌های ایمان چیست یا چه باید باشد؟ در یک کلام از مؤمن واقعی و نمونه انتظار می‌رود که از نظر اجتماعی و مذهبی چگونه رفتار کند؟ اینها سوالات مهمی است که باید درباره ایمان پرسسیم. پاسخ دادن به آنها درونه معنایی وازه‌هایی را که در قرآن معنای ایمان و مؤمن می‌دهند معلوم می‌کند. چند آیه ذکر می‌کنیم که در آنها ایمان صرفاً از جنبه‌های دینی مورد نظر است. این آیات تعریف لفظی کاملی از مؤمن حقیقی به دست می‌دهند: «مؤمنان همان کسانی هستند که چون یاد خدا به میان آید دل‌هایشان ترسان شود و چون آیات او را برایشان بخوانند بر ایمانشان بیفزایند و بر پروردگارشان توکل کنند. کسانی که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی دادیم می‌بخشند. اینان به راستی مؤمن‌اند.» (انفال: ۲ تا ۴) این تعریف لفظی «مؤمن برحق» را فردی به‌راستی پرهیزگار



### هنگامی که سوره‌های نازل می‌شد بعضی‌ها می‌پرسیدند:

**کدام یک از شماست که این سوره ایمانش را زیاد کرده باشد؟**

**این نشان‌دهنده تفاوت مدارج ایمان است که مؤمنین**

**راستین را بهشتی و از نظر درجاتی که در پیشگاه خداوند دارند، آنان را گوناگون می‌سازد**

